



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی الهیات و معارف اسلامی - علوم قرآن و حدیث

وحيانی بودن ساختار قرآن و شبهات مربوط به آن

به وسیله‌ی

علیرضا روستایی

استاد راهنما

دکتر علی اکبر کلانتری

شهریور 1391

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا
اظهارنامه

اینجانب علیرضا روستایی دانشجوی رشته‌ی الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی اظهار می‌کنم که این پایان‌نامه حاصل پژوهش خودم بوده و در جاهایی که از منابع دیگران استفاده کرده‌ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشته‌ام. همچنین اظهار می‌کنم که تحقیق و موضوع پایان‌نامه تکراری نیست و تعهد می‌نمایم که بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن را منتشر ننموده و یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیه حقوق این اثر مطابق با آیین‌نامه مالکیت فکری و معنوی متعلق به دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی: علیرضا روستایی

تاریخ و امضا: 1391/6/31

A handwritten signature in blue ink, enclosed in a blue oval, with the date '91, 6, 31' written below it.

به نام خدا

و حیانی بودن ساختار قرآن و شبهات مربوط به آن

به کوشش
علیرضا روستایی

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز به عنوان بخشی
از فعالیت های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی:

الهیات و معارف اسلامی - علوم قرآن و حدیث

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه ی : عالی

دکتر علی اکبر کلانتری. دانشیار بخش الهیات و معارف اسلامی (رئیس کمیته).....

دکتر مهدی احمدی. استادیار بخش الهیات و معارف اسلامی.....

دکتر سید محمد هادی زبرجد. استادیار بخش الهیات و معارف اسلامی.....

شهریور ۱۳۹۱

تشکر و سپاسگزاری

بدین وسیله از کلیه اساتید دوره کارشناسی ارشد، استاد راهنما جناب آقای دکتر علی اکبر کلانتری و اساتید مشاور جناب آقای دکتر مهدی احمدی و جناب آقای دکتر سید محمدهادی زبرجد کمال تشکر و قدردانی را دارم.

از جناب آقای دکتر کاکایی به دلیل الطافی که به بنده داشتند تشکر می نمایم. از سرکار خانم ملک زاده و سرکار خانم حسینی کارکنان محترم بخش الهیات که در راستای حل مشکلات بنده قبل از جلسه دفاعیه تلاش قابل توجهی به عمل آوردند تشکر می نمایم. از جناب آقای تقوافرد دانشجوی محترم کارشناسی ارشد بخش زبان که زحمت برگردان چکیده به انگلیسی را کشیدند تشکر می کنم.

از کتابدار محترم دانشکده علوم قرآنی سرکار خانم رحیمیان که زحمت امانت دادن کتاب های مربوطه را کشیدند و نیز تایپیست محترم سرکار خانم صف شکن تشکر می کنم و امیدوارم اجرشان در نزد خداوند محفوظ باشد.

چکیده

به کوشش

علیرضا روستایی

موضوع وحیانی بودن ساختار قرآن شامل مباحث وحیانی بودن الفاظ قرآن و وحیانی بودن ترتیب آیات و سوره ها می باشد.

در بحث وحیانی بودن الفاظ قرآن ابتدا به بحث امکان تکلم خداوند و ایجاد الفاظ پرداخته شده است. تاکنون بهترین دیدگاهی که در رابطه با این مسئله ارائه شده است دیدگاهی است که شهید مطهری از حکمای اسلام نقل کرده است. البته از این دیدگاه برخی تلقی دیدگاه گزاره ای کرده اند که بیانگر نیاز این دیدگاه به بررسی بیشتر و برطرف کردن نواقص آن می باشد. دلایل وحیانی بودن الفاظ قرآن، اعجاز آن، تفاوت چشمگیر آن با حدیث پیامبر، تعبیر به کلام الله در قرآن و غیره می باشد.

برخی در رابطه با وحیانی بودن الفاظ قرآن شبهاتی را مطرح کرده اند و قرآن را تجربه دینی و الفاظ آن را ساخته پیامبر دانسته اند، در حالی که وحی تعریف شده در دیدگاه تجربه دینی تفاوت قابل ملاحظه ای با وحی اسلامی دارد. در مورد دیدگاه این افراد پیرامون غیر وحیانی بودن الفاظ قرآن نیز تناقضاتی وجود دارد و بالاخره این که این دیدگاه با توجه به فوق بشری بودن لفظ و محتوای قرآن و جنبه ی اعجاز قرآن دیدگاهی نادرست می باشد.

در مورد وحیانی بودن ترتیب آیات و سوره ها صاحبان دیدگاه وحیانی بودن ترتیب آیات و سوره ها به دلایلی استناد کرده اند که دارای اشکالاتی از جمله مخالفت آن با روایات جمع و غفلت از مستندات تاریخی می باشد.

به نظر نگارنده ترتیب سوره ها عمدتاً به اجتهاد صحابه صورت گرفته است و دلیل آن تفاوت زیاد ترتیب سوره ها در مصحف های صحابه می باشد. همچنین ترتیب آیه ها در مواردی غیر توقیفی بوده و به وسیله صحابه صورت گرفته است که در مورد دو آیه اکمال و تطهیر این دخالت صحابه روشن می باشد.

کلید واژه ها: قرآن کریم، وحی، الفاظ، ترتیب

فهرست مطالب

1	فصل اول - کلیات و مفاهیم
2	مقدمه
3	اهمیت و ضرورت تحقیق
4	اهداف تحقیق
4	سؤالات تحقیق
4	فرضیه ها
4	پیشینه موضوع و مروری بر تحقیقات گذشته
10	روش تحقیق
11	معناشناسی
11	1- وحی
11	2- ساختار
12	3- سوره
12	4- آیه
14	فصل دوم - وحیانی یا غیر وحیانی بودن الفاظ قرآن
15	عقیده عمومی مسلمانان درباره وحیانی بودن الفاظ قرآن
16	نظرات قدما در مورد وحیانی بودن الفاظ قرآن
18	تکلم خداوند و ایجاد الفاظ
24	دیدگاه وحی گفتاری
29	وحی اسلامی و وحی گفتاری
30	نقد و بررسی نظریه وحی گفتاری
31	فرض های مطرح شده در باب وحیانی یا غیروحیانی بودن الفاظ قرآن
33	معانی و الفاظ، هر دو از خداوند
34	ادله این دیدگاه

46 معارف قرآن از خداست و الفاظ آن از پیامبر
49 پیامد های نظریه غیر وحیانی بودن الفاظ قرآن
53 مستشرقان و وحیانی بودن الفاظ قرآن
55 نقد و بررسی دیدگاه عبدالکریم سروش در باب وحی
56 تجربه دینی بودن وحی
58 نقد و بررسی نظریه تجربه دینی
64 پیامبر؛ آفریننده و تولید کننده قرآن
68 تجربه شعری بودن وحی
70 تلقی مادی سروش از وحی
72 بررسی شبهات مربوط به وحیانی بودن الفاظ قرآن

فصل سوم - وحیانی یا غیر وحیانی بودن ترتیب آیات و سوره ها 76

77 بررسی نظرات پیرامون وحیانی یا غیر وحیانی بودن ترتیب آیات و سوره ها
77 الف - دیدگاه کسانی که معتقد به وحیانی بودن ترتیب آیات و سوره ها هستند
77 جلال الدین سیوطی
85 آیت الله خویی
103 صبحی صالح
104 حسن خرقانی
111 ب - دیدگاه کسانی که ترتیب سوره ها را اجتهادی می دانند
112 آیت الله معرفت
115 ابو عبدالله زنجانی
115 ج - دیدگاه کسانی که معتقد به وحیانی بودن ترتیب اکثر سوره ها هستند
118 د - دیدگاه کسانی که معتقد به اجتهادی بودن ترتیب سوره ها و ترتیب برخی از آیات هستند
118 علامه طباطبایی
127 نظر علامه طباطبایی درباره روایات جمع
127 روایات مربوط به جمع قرآن در زمان ابوبکر
129 روایات مربوط به جمع قرآن در زمان عثمان
132 داوری علامه درباره روایات جمع
140 سخن علامه طباطبایی درباره تغییر محل آیات اکمال و تطهیر
145 داوری درباره دیدگاه های بیان شده در باب ترتیب آیات و سوره ها

147..... بررسی شبهات مربوط به فصل سوم

154..... جمع بندی و نتیجه گیری

154..... کتاب نامه

فصل اول

کلیات و مفاهیم

پژوهشی که در مقابل شماسست به بررسی وحیانی بودن ساختار قرآن و شبهات مربوط به آن پرداخته است. ساختار وحیانی قرآن، از امتیازات بی بدیل آن به شمار می رود، اما برخی اندیشمندان مباحث قرآنی و کلام جدید در تبیین و تحلیل ساختار وحیانی قرآن متفاوت با عمده قرآن شناسان و تفسیر پژوهان گام برداشته اند که موجب پدیداری نگاهی بشری به وحی گردیده است و براین باور تأکید کرده اند که الفاظ و تنظیم عبارات قرآن، وحیانی و الهی نمی باشد، بلکه معانی آن بر قلب پیامبر اکرم (ص) القاء شده و آن حضرت خود آن ها را در قالب الفاظ در آورده است. برخی اندیشمندان معاصر نیز وحی را تجربه نبوی یا تجربه دینی بر شمرده اند و تلاش کرده اند قرآن را از کلام الهی به کلام بشری تقلیل دهند و الفاظ قرآن را ساخته پیامبر بدانند. وحیانی بودن ساختار قرآن کریم در نظام واژگانی، چگونگی چینش جمله ها و آیه ها و نیز قالب مصحفی آن، زیر بنای بسیاری از بحث های قرآنی را پی ریزی میکنند، و پرده برداری از معانی راز های آن، می طلبد که بدانیم چه مقدار از این ساختار، وحیانی و از سوی خداوند است و چه مقدار مسلمانان صدر اسلام و مردمان پس از آنها در آن نقش داشته اند. روشن است که هرچه قلمرو و وحیانی بودن گسترده تر باشد، قلمرو نکته سنجی و تیزبینی در نظام واره آسمانی بازتر خواهد بود. (خرقانی، 1378، 326) در این پژوهش، وحیانی بودن ساختار قرآن و شبهات مربوط به آن را از دو جنبه مورد بررسی قرار خواهیم داد؛ یکی وحیانی بودن الفاظ قرآن و دیگری چینش آیات و سوره های قرآن در قالب مصحف .

وحیانی بودن الفاظ قرآن از جمله مباحثی است که بحث و گفتگو پیرامون آن از سده های نخست اسلامی در میان اندیشمندان دینی رواج یافته و دیدگاه های متفاوتی درباره آن اظهار شده است. (کلانتری، 1381، 46)

به نظر می رسد دیدگاه مذکور در سده اخیر مورد توجه و اقبال بیشتری واقع شده است. زیرا برخی از نویسندگان نوگرا در جهان اسلام با گرایش به این دیدگاه در صدد تقویت و ترویج آن بر آمده اند. شاه ولی الله دهلوی، سیداحمد خان هندی و سید امیر علی هندی، که هر یک در نهضت اصلاح دینی در شبه قاره هند نقشی بر عهده داشته اند، براین باورند که تنها معانی و معارف قرآن بر پیامبر وحی شده است، ولی قالب و ساختار ظاهری الفاظ و متن قرآن از شخص پیامبر است. از برخی نوشته های دکتر نصر حامد ابوزید از متفکران مصری نیز می توان

چنین دیدگاهی را برداشت کرد. برخی از نویسندگانی که وحی را با تجربه فردی شخص پیامبر یکسان شمرده اند نیز خواسته یا ناخواسته به همین دیدگاه تن داده اند. (همان، 54-55)

موضوع وحیانی بودن ترتیب آیات و سوره ها نیز نظرات متفاوتی را در میان صاحب نظران علوم قرآنی و تفسیر برانگیخته است. در این میان عده ای معتقد به وحیانی بودن ترتیب سوره ها و عده ای دیگر معتقد به غیروحیانی بودن ترتیب سوره ها هستند. اما در مورد ترتیب آیات این اختلاف نظر کمتر است و اکثر صاحب نظران معتقد به وحیانی بودن ترتیب آیات هستند. نتایج بحث وحیانی بودن ترتیب آیات و سوره ها دارای تأثیر به سزایی در حوزه تفسیر خواهد بود.

با توجه به وجود شبهات جدید در دو مبحث فوق به خصوص بحث وحیانی بودن الفاظ قرآن به نظر می رسد که جا دارد صاحب نظران بیشتری به این عرصه وارد شوند و در صد پاسخگویی و ردّ دیدگاه های نادرست برآیند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

این موضوع از چند جهت حائز اهمیت می باشد:

اول اینکه به حجیت کتاب آسمانی ما مربوط می شود به خصوص در بحث «وحیانی بودن الفاظ قرآن». زیرا در صورتی که ثابت شود الفاظ این کتاب مقدس وحیانی نیست و تنها محتوای آن بر پیامبر وحی شده است، دیگر ظاهر قرآن دارای حجّت نخواهد بود و تنها بایستی به این مطلب بسنده کرد که بر پیامبر ما وحی شده است. اما اینکه این وحی دارای نشانه و اثر می باشد و بتوان آن را اثبات نمود خیر. خصوصاً اینکه معجزه پیامبر اسلام برخلاف پیامبران پیشین یک کتاب است و با تأمل در جملات و کلمات قرآن است که می توان به معجزه بودن آن پی برد.

دوم اینکه به ما نشان می دهد که تا چه حد می توانیم با تأمل در کلمات و ظاهر قرآن از معارف الهی بهره مند شویم. اگر کسی بگوید که الفاظ این کتاب وحیانی نیست این بدان معنا خواهد بود که نمی توان با استفاده از همین کلمات ظاهری به معارف عمیق الهی منتهی شد. همچنین پی بردن به اینکه ترتیب آیات و سوره ها وحیانی می باشد یا خیر در پی بردن به معانی آیات تأثیر دارد؛ زیرا اگر مثلاً معتقد شویم که ترتیب آیات وحیانی نیست دیگر نمی

توانیم بگوییم که فلان آیه با توجه به آیات قبل و بعدش چنین معنایی دارد و نیز در مورد ترتیب سوره ها (در صورت توفیقی نبودن ترتیب سوره ها) نمی توانیم بگوییم که ابتدای این سوره با توجه به انتهای سوره قبل دارای چنین معنایی می باشد.

اهداف تحقیق:

در این تحقیق اهداف مختلفی دنبال می شود از جمله:

- 1- اثبات و حیانی بودن الفاظ قرآن
- 2- مشخص کردن میزان و حیانی بودن ترتیب آیات و سوره های قرآن

سؤالات تحقیق:

- 1- آیا الفاظ و کلمات قرآن مانند محتوای آن صد در صد و حیانی است؟
- 2- ترتیب آیات و سوره های قرآن تا چه حد و حیانی است؟

فرضیه ها:

- 1- الفاظ و کلمات قرآن مانند محتوای آن و حیانی می باشد.
- 2- ترتیب آیات قرآن و حیانی است، اما ترتیب سوره های قرآن تا حد زیادی به اجتهاد صحابه بوده است.

پیشینه موضوع و مروری بر تحقیقات گذشته:

به نظر می رسد اولین کسانی که نظراتی شبهه برانگیز در رابطه با موضوع «و حیانی بودن الفاظ قرآن» ارائه کرده اند، دو نفر به نامهای «معمّر بن عباد السلمی» (م 228ق) و «ابن کلاب» متکلم معروف سده سوم قمری هستند. «معمّر بن عباد السلمی» در میان متکلمان معتزلی، صاحب تفکرات خاصی بوده است. او با اعتقاد به این که کلام و سخن، عرض بوده و خداوند خالق عرض نمی باشد، معتقد است که وحی الهی اگر مثلاً از یک درخت ظاهر شود، درخت خالق آن است، و یا اگر از یک انسانی مانند پیامبر (ص) ابراز گردد، پیامبر خالق و به

وجود آورنده آن الفاظ می باشد. آسمانی و وحیانی بودن قرآن، مغایر با آن نیست که پیامبر در آن نقش داشته باشد. در واقع، خداوند در پیامبر (ص) استعدادی به ودیعت نهاده است که او می تواند هدایت باطنی خداوند را در قالب کلماتی از ناحیه خودش (که همان آیات قرآنی است) به زبان آورد (نبویان، 1387، 256-257). «ابن کلاب» نیز از تدوین کنندگان عقاید کلامی سلف است که بعدها کسانی چون ابوالحسن اشعری آراء و روش های وی را دنبال کردند و «کلام اشعری» را بنیان نهادند. ابن کلاب یکی از مخالفان معروف و معتبر معتزله بود و بر ضد آراء آنان مصنفاتی پرداخته است. (بجنوردی، 1385، ج 4، 519 به نقل از ذهبی، 174/11، ابن حجر، 290/3-291) تاریخ مرگ وی به دقت تعیین نشده اما نوشته اند که او پس از سال 240 قمری در گذشته است. (بجنوردی، 1385، ج 4، 519-520 به نقل از اسنوی، 2، 1345)

ابن کلاب در سده سوم قمری مطلبی در رابطه با کلام خداوند مطرح کرد که خصوصاً متکلمان عقل گرای معتزلی سخت با آن مخالف بودند. قبلاً دو نظر اصلی درباره حقیقت کلام خداوند و قرآن در عصر ابن کلاب وجود داشت: یکی از این دو نظر، قدیم بودن کلام خداوند است که متعلق به سلفیان، از جمله احمد بن حنبل است و دیگری مخلوق بودن آن که متعلق به متکلمان معتزلی است. نخستین گزارشگر نظریه قدم قرآن، اشعری است. وی قول به غیر مخلوق بودن قرآن به عنوان کلام خداوند را به گروهی از پیشینیان نسبت داده که آنان را «اصحاب حدیث و اهل سنت» نامیده است. وی پس از بیان عقاید گوناگون فرقه هایی که معتقدند قرآن کلام مخلوق خداوند و جسم و عرض است، به بیان عقاید کسانی می پردازد که معتقدند قرآن نامخلوق است و عرض و جسم هم نیست و این جماعت را اصحاب حدیث و اهل سنت می نامد. اشعری ابن کلاب را از این جماعت می شمرد و سپس اختلاف همین جماعت را در تصور و تلقی این عقیده توضیح می دهد. ابن کلاب در مورد حقیقت کلام خداوند و قرآن مجید از طرفی معتقد به مخلوق نبودن کلام خدا و مخالف معتزله بود و از طرف دیگر کلام خدا را یک حقیقت قدیم می دانست که نه عین ذات است و نه جدای از ذات و نیز قرآن، تورات و انجیل را تعبیرهای گوناگون عربی و عبری آن حقیقت می شمرد و نه عین آن حقیقت. این مطلب که قرآن تعبیری است عربی از کلام قدیم خداوند، در میان مسلمانان کاملاً تازگی داشت و قبل از ابن کلاب کسی آن را مطرح نکرده بود.

اشعری که نخستین گزارشگر آراء ابن کلاب است، نظریه ویژه او را چنین بیان می کند: خداوند از ازل متکلم است و کلام وی قدیم است و صفتی است قائم به او، چنان که علم و قدرت، صفات قدیم وی و قائم به اویند. کلام خداوند حروف و اصوات نیست، انقسام و جزء و بعض ندارد و تغییر پیدا نمی کند، یک معنای یگانه است که قوام آن به خداست. حروف، رسم کلام خداوند و قرائت آن هستند و از این رو تغییر پیدا می کنند. درست نیست که گفته شود کلام خداوند همان خداوند است یا بعض او یا غیر او. تعبیراتی که از کلام خداوند صورت می گیرد، گوناگون می شود، ولی کلام وی گوناگون نمی شود، چنان که ما خداوند را به صورت های مختلف یاد می کنیم، ولی ذات خداوند که یاد شده است، مختلف و متغیر نمی شود. کلام خدا (قرآن) به این جهت عربی نامیده می شود که رسم آن، یعنی «تعبیر» و «قرائت» آن عربی است، چنان که موقعی که رسم و تعبیر آن عبری بود، تورات نامیده شده است. آن چه انسان ها تلاوت می کنند و ما آن را می شنویم، فقط تعبیری است از کلام خداوند (که به انبیا رسیده است)، ولی موسی (ع) عین کلام خدا را که خود خدا آن را بیان می کرد، شنید.

بنابراین نظریه، رسم و تعبیر عربی یا عبری کلام خداوند، غیر از عین کلام خداوند است، قرآن مجید رسم و تعبیر کلام الهی است و نه عین آن. به عقیده ابن کلاب طی نزول وحی قرآنی و شنیده شدن آن به وسیله پیامبر اسلام، یک پدیده «تعبیر» واقع شده است که دارای مشخصات زبان عربی است. ظاهراً ابن کلاب معتقد بود، با محدودیت هایی که در زبان عربی به عنوان یک پدیده مخلوق وجود دارد، کلام خداوند در طی نزول محدودیت پیدا کرده و بشری شده است و به این جهت نمی توان گفت کلام خداوند با نزول بر پیامبر (ص) به صورت مصحف درآمد است و نمی توان گفت آنچه به صورت قرآن در دسترس ماست، عین کلام خداوند است. عقیده ابن کلاب درباره مخلوق نبودن قرآن همان عقیده سلف است، ولی نظریه اختصاصی وی این است که کلام خدا چون ذات خداوند است و همان طور که حقیقت خداوند در هیچ صورتی مجسم نمی شود، حقیقت کلام خدا نیز در هیچ صورتی حتی به صورت مصحف در دسترس انسان قرار نگرفته است.

آراء ابن کلاب مورد دقت و بررسی متفکران و متکلمان پس از وی واقع شده است. از پیشینیان، اشعری و قاضی عبدالجبار به نقد جدی آراء وی پرداخته و بعدها نیز کسانی چون ابن تیمیه آراء او را نقد کرده اند. قاضی عبدالجبار به صورت مشروح آراء ابن کلاب و کلابیه را

در مورد حقیقت کلام خداوند نقد کرده است. معتزله حملات شدیدی به آراء ابن کلاب کرده اند. به نظر می رسد متکلمان معتزلی نظریه ابن کلاب در مورد کلام خداوند را با روش عقلانی کردن دین که شیوه معتزله بود، سازگار نمی یافتند. معتزله در صدد معقول ساختن حقایق دینی بودند و نظرشان این بود که آن چه دین از آن سخن می گوید، قبلاً با عقل قابل دریافت و مفهوم شدن است. نظریه ابن کلاب حقیقت کلام خداوند را که اساس دین اسلام است، در وراء معقول و مفهوم قرار می داد و قرآن را تنها یک تعبیر عربی با محدودیت های بشری از آن کلام به شمار می آورد و به نظر وی مسلمانان به حقیقت کلام خدا دسترسی ندارند. از طرفی تورات و انجیل نیز تعبیرات دیگر همان حقیقت وراء معقول و مفهومند و باطن هر سه دین اسلام و یهودیت و مسیحیت عبارت است از «یک حقیقت واحد» که همان کلام قدیم خداوند است. در این نظریه منسوخ شدن یهودیت و مسیحیت و حاکمیت مطلق معنوی و دنیوی دین اسلام معنای روشنی ندارد. مهم تر از این دو نکته این است که تصور کلام قدیم ملازم با ذات خداوند تشابه شدیدی با عقیده مسیحیان درباره عیسی مسیح دارد. این سه ویژگی نظریه ابن کلاب با دو هدف عمده معتزله که عبارت از عقلانی کردن آیین اسلام و تشخیص ویژه بخشیدن به آن در مقابل یهودیت و مسیحیت بود، کاملاً ناسازگار می نمود و به این جهت مخالفت شدید آنان را برانگیخته بود.

ابن تیمیه که خود از احیا کنندگان شیوه سلف است، در دو کتاب منهاج السنه النبویه و موافقه صحیح المنقول لصریح المعقول در عین تکریم و تعظیم ابن کلاب، رأی ویژه او درباره کلام خداوند را نپسندیده است. وی می نویسد: نظر همه سلف از صحابه و تابعین و ائمه دیگر این است که قرآن کلام خداوند است و مخلوق نیست، ولی آنها عقیده ابن کلاب درباره ملازمت قدیم کلام با ذات خداوند را قبول نکرده اند. (بجنوردی، 1385، ج 4، 521 به نقل از منهاج، 208/1) این عقیده کلابیه که آنچه از خداوند نازل شده، عین کلام خداوند نیست و تورات و انجیل و قرآن فقط در زبان و عبارات اختلاف دارند و محتوای آنها واحد است و سخن گفتن خداوند چیزی غیر از خلق ادراک برای انبیا نیست، مورد پذیرش مردم (جمهور علمای اسلام) قرار نگرفته است. (بجنوردی، 1385، ج 4، 521 به نقل از ابن تیمیه، موافقه صحیح المنقول لصریح المعقول، 369/1)

ابن کلاب این نظریه را که کلام خداوند صفتی است قائم به ذات خداوند که نه عین اوست و نه غیر او، به سایر صفات خداوند تعمیم داده بود. به گفته اشعری: ابن کلاب معتقد بود که کلیه اسماء و صفات خداوند چون علم، قدرت، حیات، سمع، بصر، جلال، کبریا، دشمنی و ... چون ذات خداوند قدیم است و با خداوند است. (بجنوردی، 1385، ج 4، 521)

در عصر حاضر نیز افرادی این شبهه را مطرح کرده اند که الفاظ قرآن وحیانی نیست بلکه به نوعی پیامبر در ایجاد آن ها نقش داشته است. یکی از آنها سر سید احمدخان هندی (1817-1898 م) است که تفسیر ناتمامی هم بر قرآن نوشته است. او معتقد بود: «نبوت یک ملکه طبیعی خاص، نظیر سایر قوای بشری است که به هنگام اقتضای وقت و محیط شکوفا می شود، چنان که میوه و گل درختان به موقع خویش می شکفند و می رسند». به نظر او پیامبر (ص) وحی را مستقیماً از خداوند دریافت می کند. جبرئیل فی الواقع جلوه مجازی و کنایی قوه یا ملکه پیامبری است. به نظر او وحی چیزی نیست که از بیرون به انسان برسد، بلکه همانا فعالیت عقل الوهی در نفس و عقل قدسی بشری اوست. سید احمدخان برای تأیید این نظریه، به این واقعیت که قرآن نه یکباره بلکه به تدریج و تنجیم و اقتضای موقعیت بر پیامبر (ص) نازل شده استناد می کرد. وی معتقد بود که قوه نبوت بدون استثنا و تبعیض در همه انسان ها هست، اگرچه ممکن است درجاتش فرق داشته باشد...» سرسید احمد خان مدافع این نظر بود که باب اجتهاد باید به روی کسانی که صاحب صلاحیت اند باز باشد، چرا که از این طریق می توان مسایل مستحدث عرفی و شرعی را با رعایت شرایط زمانه بازاندیشی کرد و تفسیر و برداشت تازه ای به آنها به عمل آورد... ولی همین سید احمد خان در مقدمه تفسیرش می گوید: «و اما اینکه بعضی گفته اند که بر پیغمبر صرف معانی و مضامین قرآن القاء شده لیکن الفاظ و عبارات آن از خود آن حضرت است که در زبان عربی - که زبان خودش بوده - بیان فرموده است، من جداً با آن مخالف می باشم... و بعد خودش آن ها را در مقام تعلیم و تفهیم عباد، چون زبانش عربی بود، بدین عبارت و الفاظ بیان فرموده است. ولی این قول فاضل مشارالیه مخالف با نقل و عقل هردو هست، چه اولاً در خود قرآن درج است که: «وَ إِنَّهُ لَنَزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ، نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ، عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ، بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ» (شعراء/ 192-194) و در مورد دیگر فرموده است که: «أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (یوسف/ 3) و

از این ظاهر و هویداست که نزول قرآن بر قلب آن حضرت در زبان عربی بوده است، نه اینکه صرف معانی بر وی القا شده و قوالب و الفاظ از خود آن حضرت باشد.»

سپس امین الخولی (1904-1969 م) استاد دانشگاه قاهره و قرآن پژوه مصری با همکاری چند تن از همفکرانش مکتب تفسیری زبان شناسانه قرآن را پی ریزی کرد، و اگرچه آثار و آراء او، در عین نوظهوری، از ارتدکسی (مذهب اعتقادات رسمی) مسلمانی، چندان دور نشد، ولی با نقد ادبی بی پروا شاگردانی چون نصر حامد ابوزید پرورش داد.

نصر حامد ابوزید (متولد 1943 م) از نقد ادبی فراتر رفت و پا به عرصه نقد فلسفی، جامعه شناسانه، روان شناسانه و تأویل گرانه بی محابا نهاد و پاره ای از آراء قرآن پژوهی کم سابقه و بی پروایش در سال های 1993 تا 1996 سبب جنجال بسیار در مصر و سرانجام صدور حکم ارتداد وی از سوی جامعه و جامعه الازهر گردید. او قرآن را متنی تاریخی و فرهنگ مند و متأثر از زمانه و زمینه نزول تدریجی 23 ساله آن شمرد. و آن را متنی دانست که در همکنشی دو سویه هم از زمانه اثر می برد و هم بر آن اثر می گذارد و ذهن و ضمیر پیامبر (ص) را در چنین تعاملی دخیل در شکل گیری قرآن کریم شمرد.

او همتایان و همفکران تندروتری در جهان اسلام، نیز در میان تجدیدگرایان اصلاح گرای ایران پیدا کرد، نظیر محمد ارغون و حسن حنفی و دیگران که ملغمه ای ناگوار و به شدت مخالف اعتقادات و ضروریات اسلامی درباره قرآن گفتند و نوشتند و می گویند و می نویسند. اینان:

1) وحی را نه آسمانی، و قرآن را نه وحیانی (طبق اعتقادات رسمی اسلامی)، بلکه الهامی می دانند و آن را چیزی شبیه شعر به حساب می آورند.

2) حضرت پیامبر (ص) را نه برگزیده خداوند، بلکه همانند شاعر و عارف می شمارند و می گویند او از شدت تقرب و اتصال با خداوند به مقامی رسیده بود که تقدس و قدسیت یافته بود.

اینان خود را نواعتزالی می شمارند و در اوج بی پروایی می گویند پیامبر (ص) و وحی قرآن (به تعریف خودشان) درجاتی از خطاپذیری دارند. آری پیامبر را امری انسانی و خودخواسته و قرآن را فرآورده ذهن و زبان و ضمیر و زندگی او می شمارند. (خرمشاهی، 1386)

شاید بتوان گفت برجسته ترین شخصی که در ایران این آراء را عرضه کرد «عبدالکریم سروش» است. وی با مقاله «بسط تجربی نبوی» در سال 1377 ش، آراء جدیدی را در باب

وحی ارائه کرد. مطالب وی پس از انتشار، مورد نقد برخی از اهل فضل قرار گرفت. این مقاله دارای ابهاماتی بود، که سروش بعدها (1381) در مصاحبه با مجله «آفتاب» آن‌ها را برطرف ساخت.

این مقاله چندان مورد توجه مجامع فکری قرار نگرفت؛ تا آن‌که وی در مصاحبه‌ای با «رادیو زمانه» (1386)، بحثی را با عنوان «کلام محمد» مطرح کرد، و در آن مدعی شد که قرآن کلام پیامبر است. این بحث با نقد آیت‌الله سبحانی مواجه شد. اما سروش مجدداً در گفت‌وگویی با روزنامه «کارگزاران» همان مطلب را تکرار، و سپس (اسفند 1386) در پاسخ به آیت‌الله سبحانی، اولین نامه خود را با عنوان «بشر و بشیر» منتشر کرد. در همین زمان، آیت‌الله سبحانی، پاسخ دیگری به سروش داد، و سروش هم در اردیبهشت 1387، نامه دوم خود به ایشان را منتشر کرد.

در فاصله بحث و گفت‌وگوهای سروش با آیت‌الله سبحانی، برخی به طرفداری یا نقد مطالب وی پرداختند که همه این مطالب در پایگاه اینترنتی دکتر سروش موجود است. آقای محمد مجتهد شبستری نیز در هم‌فکری با سروش، مقاله‌ای با عنوان «قرائت نبوی از جهان» در مجله «مدرسه» منتشر ساخت (تیرماه 1386)، و از منظری دیگر ادعا کرد که قرآن کلام پیامبر اسلام است.

«عبدالله نصری» نیز پس از انتشار نخستین مصاحبه و نامه سروش، در مقاله‌ای با عنوان «آتش در خرمن نبوت» به نقد آرای سروش پرداخت. وی پس از انتشار دومین نامه دکتر سروش نیز مقاله‌ای با عنوان «نه طوطی مقلد، نه زنبور مولد؛ پیامبر» به نگارش درآورد، که در مجله «نقد و نظر» منتشر شد. (نصری، 1387، 9-10)

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش روش کتابخانه‌ای می‌باشد. در این روش کتاب‌ها، مقالات و دیگر آثار مکتوب در رابطه با موضوع مورد مراجعه و مطالعه قرار می‌گیرد و مطالبی که به ریز موضوعات تحقیق مرتبط است، یادداشت برداری می‌شود و در نهایت بر روی اطلاعات به دست

آمده اندیشه ورزی صورت می گیرد و مطالب موجود تصحیح، ترجمه، شرح، نقد، تفسیر، تحلیل و مقایسه می شوند و استنتاج لازم در مورد آنها صورت می گیرد. (نکونام، 1382، 2-3)

معناشناسی

لازم است در مورد معنای واژه های «وحي»، «ساختار»، «آیه» و «سوره» تعریف لازم ارائه شود:

1- وحي:

راغب اصفهانی در «مفردات الفاظ قرآن» می گوید:

«اصل معنای کلمه وحي، اشاره سریع می باشد و به این دلیل که در بردارنده معنای سرعت می باشد عبارت «امرٌ وحيّ» [به معنای کار سریع] مورد استفاده قرار گرفته است و این در مورد سخن و به صورت رمز و کنایه می باشد. و گاهی به صورت صدای مرگب و یا به صورت اشاره برخی از اعضای بدن و یا با نوشتن می باشد که آیه شریفه پیرامون حضرت زکریا (ع) را برخی به این معنا دانسته اند: «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا» (مریم/ 11) (راغب اصفهانی، 1416، 858)

پس سخن جامع پیرامون معنای لغوی «وحي» این است که: وحي آگاه کردن پنهانی و سریع است که به شخص مورد خطاب اختصاص دارد و از دیگران پنهان است. (رشیدرضا، 1429، 43)

2- ساختار:

در تعریف این واژه گفته اند: «مجموعه عناصر تشکیل دهنده یک اثر ادبی یا هنری و پیوستگی اجزای آن با یکدیگر می باشد.» (انوری، 1381، ج 5، 3963)

همان طور که ملاحظه می کنید این تعریف دو جنبه را در بر می گیرد که عبارت است از «عناصر تشکیل دهنده» که در بحث مورد نظر ما شامل «الفاظ قرآن» می باشد و نیز «پیوستگی اجزا» که در بحث مورد نظر ما شامل «ترتیب آیات و سوره های قرآن» می باشد.